

جمعه 1 بهمن 1395-21 ربيع الثاني 1437-20 ژانویه 2017

رحلت محدث کبیر شیعه حاج شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان...



ا.ا.نه نظره "ولایت فقه (توسط حضرت امام خمین، د. نجف اشرف (1348 ش.)
 اول بهمن 1348 ش، سرآغاز سلسله درس‌های زیربنایی "ولایت فقه" یا "حکومت اسلامی" بود که حضرت امام خمینی (ره) همزمان با رهبری حرکت سرنوشت‌ساز بسیج نیروهای جوان و دانشگاهی و تشویق آنان به مطالعه و بررسی قوانین همه جانبه اسلام، در حالی که چند سالی از تبعیدشان در نجف اشرف می‌گذشت، در طی دوازده جلسه در مسجد شیخ انصاری ارائه نمودند. این بحث علمی نه تنها حوزه‌های علمیه و محافل علمی روحانیت را با بیانی مستدل و فقهی به اصل تفکیک ناپذیری دین و سیاست متوجه می‌نمود، بلکه محیط‌های دانشگاهی را نیز با نظام سیاسی اسلام به عنوان یک تئوری کامل و الهی برای حکومت اسلامی آشنا می‌کرد و روح خودکم‌بینی و خودباختگی را از این محافل آشنا با فرهنگ غرب می‌زدود. سخنان حضرت امام خمینی در این جلسات پس از مدتی تبدیل به کتابی با همین عنوان گردید و علی‌رغم ممنوعیت و تدابیر شدید ساواک ایران، به طرق گوناگون و مخفیانه به دست مبارزان داخل کشور می‌رسید. هر چند این کتاب در ابتدا جز در میان پیروان امام خمینی بازتاب گسترده و مهمی نیافت اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد.

رحلت محدث کبیر شیعه "حاج شیخ عباس قمی" صاحب مفاتیح الجنان (1319 ش) آیت‌الله حاج شیخ عباس قمی در سال 1256 ش (1294 ق) در شهر قم به دنیا آمد. در ابتدا از محضر آیت‌الله محمد ارباب قمی فیض برد و سپس در 21 سالگی راهی نجف اشرف گردید. وی در نجف از محضر فقیهان بزرگی همچون: علامه سید محمد کاظم یزدی، میرزا محمد تقی شیرازی، شیخ الشریعه اصفهانی و سید حسن صدرکاظمی بهره برد و اجازات متعدد اجتهاد دریافت کرد. شیخ عباس قمی به علت علاقه بسیار به احادیث و اخبار، ملازم خاتم‌المحدثین، علامه میرزا حسین نوری گشت و بیشتر اوقات خود را در این مسیر صرف نمود و اجازه روایت نیز گرفت. وی به کمک حافظه قوی، تلاش پیگیر و علاقه وافری که به شناخت راویان و محدثان راستگو و نقل اخبار اهل بیت (ع) داشت به جمع‌آوری حدیث همت گماشت به طوری که در طی سالیان اقامت در نجف، از شاگردان طراز اول استاد خود بود. ایشان در حدود سال 1292 ش (1331 ق) ساکن مشهد شد و در آن‌جا به مدت بیست و دو سال، به تصنیف و تألیف و تدریس پرداخت. درس‌های اخلاق شیخ عباس قمی با استقبال کم نظیر طلاب و علمای شهر مواجه شد و نزدیک به هزار نفر در آن شرکت می‌کردند. ایشان پس از تأسیس حوزه علمیه قم، به دعوت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری راهی این شهر شد و مدتی در آنجا اقامت نمود. در محضر پرفیض او، عالمان فرهیخته‌ای پرورش یافتند که حضرات آیات: سید حسین قمی، سید صدرالدین صدر، سید عبدالله شیرازی، حیدرقلی سردار کابلی، سید محمد هادی میلانی، محمد علی اراکی، سید محمدرضا گلپایگانی، سید محمود طالقانی و حضرت امام خمینی از آن جمله‌اند. محدث قمی گذشته از تبحر و استادی در علوم مختلف اسلامی، در ادبیات عربی و فارسی نیز عالمی چیره دست بود و به شعر و شاعری علاقه بسیار داشت و گاه خود نیز شعر می‌سرود. مجموعه آثار او متجاوز از هشتاد اثر است که در علوم مختلف به نگارش درآمده‌اند. آثار و نگاشته‌های شیخ عباس قمی در این علوم نشان از روح تلاشگر و عظمت علمی وی دارد. کلمات لطیفه، علم البقین، نفس‌المهموم، منازل الاخره و... از جمله سی کتاب تألیف شده ایشان می‌باشد. همچنین مفاتیح‌الجنان مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر آن عالم ربانی است. سرانجام وی در اواخر عمر راهی نجف شد تا اینکه در 1 بهمن 1319 ش (23 ذی‌حجه 1359 ق) در 63 سالگی رحلت کرد و در نجف اشرف در جوار قبر استاد خود، میرزای نوری مدفون گردید. **حمله مزدوران رژیم طاغوت به دانشگاه تهران (1340 ش)** اولین اقدامی که پس از روی کارآمدن علی‌امینی به نخست‌وزیری، صورت گرفت، اعلام طرح اصلاحات ارضی و محدود کردن مالکیت بود. وی سعی داشت تا با انجام یک سلسله نمایش‌ها و فریب کاری‌ها، ایران را مدتی از انفجار دور داشته و خود را به عنوان دلسوز مردم و علاقه‌مند به روحانیت مطرح سازد. امینی خود را خدمت‌گزار ملت مسلمان و همگام با روحانیت نشان می‌داد؛ برای جلب افکار عمومی به دیدن علما و مراجع قم رفت. وی در اول دی ماه 1340 ش (13 رجب 1381 ق) توانست به بیت امام خمینی (ره) نیز راه پیدا کند ولی با شنیدن مطالبی که امام در زمینه دیکتاتوری و دودمان پهلوی و سلطه آمریکا بیان نمود، از فریب روحانیت ناامید شد. از آن طرف، تصمیم دولت بر اجرای اصلاحات ارضی و تحدید مالکیت، در بین بعضی از طبقات از جمله مالکین، مورد حُسن ظن آنها واقع نشد و تدریجاً در اطراف آن سرو صدا بلند شد و با اتحاد برخی گروه‌ها علیه دولت، امینی از هر طرف مورد حمله قرار گرفت. در روز اول بهمن 1340، از طرف دانش‌آموزان، تظاهراتی صورت گرفت. دانشجویان دانشگاه نیز به حمایت از دانش‌آموزان، دست به تظاهرات زده و در نتیجه بین آنها و پلیس زد و خورد شدیدی در گرفت. در این حادثه در حدود 200 نفر پلیس و دانشجو زخمی شدند و به تأسیسات و آزمایشگاه‌های دانشگاه تهران صدمات زیادی وارد آمد. پس از این حادثه، به دستور دولت، دانشگاه تا اطلاع ثانوی که 74 روز طول کشید، تعطیل شد.

انحلال شورای سلطنت به دنبال استعفای رئیس آن در پاریس (1357 ش) سید جلال الدین تهرانی رئیس شورای سلطنت، دو روز پس از خروج شاه از ایران به توصیه اعضای شورای شورای سلطنت به ویژه شاپور بختیار، برای ملاقات و مذاکره با امام خمینی عازم پاریس شد. ولی پیام امام مبنی بر غیرقانونی بودن شورای سلطنت، این ملاقات را غیرممکن ساخت. همچنین امام، شرط ملاقات را استعفای کتبی با اعلام این نکته که شورای سلطنت غیرقانونی است، عنوان نمود. سیدجلال الدین تهرانی در این شرایط، در روز اول بهمن ماه 1357 استعفای خود را از ریاست و عضویت این شورا اعلام کرد و آن را غیرقانونی خواند. با استعفای تهرانی، عمر یک هفته‌ای این شورا به پایان رسید و به دنبال آن جمع کثیری از نمایندگان مجلس نیز استعفا نمودند.

رحلت فقیه جلیل و عالم خدمتگزار آیت الله "مهدی حائری تهرانی" (1379 ش) آیت‌الله شیخ مهدی فرزند شیخ عباس حائری تهرانی در سال 1304 ش (1344 ق) در بیت علم و فقاقت در کربلا به دنیا آمد. وی در کودکی به همراه پدر راهی تهران شد و علی‌رغم رحلت پدر، در

فراگیری علم و دانش، کوشش و تلاش فراوانی از خود نشان داد به طوری که به همراه علوم حوزوی، تحصیلات دانشگاهی را نیز ادامه داد. آیت‌الله حائری در 23 سالگی به حوزه علمیه قم رفت و پس از گذراندن سطوح عالی، دروس خارج فقه و اصول و فلسفه را در محضر حضرات آیات: سید حسین بروجردي، علامه طباطبائي، محمدعلي اراكي و حضرت امام خميني فراگرفت تا به مدارج والای علمی دست یافت. ایشان همچنین پس از هفت سال اقامت در قم، راهی حوزه نجف شد و در شمار شاگردان استادان نامداری همچون: سید جمال الدین گلپایگانی، سید عبدالهادی شیرازی و سید ابوالقاسم خویی قرار گرفت. آیت‌الله حائری تهرانی پس از اخذ اجازه اجتهاد از حضرات آیات سید عبدالهادی شیرازی و سید جمال‌الدین گلپایگانی و اجازه روایت از شیخ آقابزرگ تهرانی به قم بازگشت و به خدمات فراوان علمی و دینی پرداخت. وی در قم و سپس در تهران به ایجاد کتابخانه‌ها، مدارس، نوسازی اماکن مذهبی و عام المنفعه قدیمی و فراهم نمودن امکانات آموزشی و رفاهی برای طلاب همت ورزید و همزمان دروس دانشگاهی خویش را تا اخذ درجه دکتری در دانشکده الهیات دانشگاه تهران پیگیری کرد. از آیت‌الله حائری تهرانی آثار متعددی برجای مانده که تقریرات درس فلسفه علامه طباطبائی، سیر قرآن و تفسیر، روش تبلیغات اسلامی و پنندهای معصومین از آن جمله‌اند. سرانجام آن عالم خدمتگزار پس از 75 سال زندگی پربرت در اول بهمن‌ماه 1379 ش برابر با 24 شوال 1422 ق در تهران چشم از جهان فروبست و در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده شد.

تولد "فدریکو فلینی" فیلم‌ساز مشهور ایتالیایی (1920م) فدریکو فلینی فیلم‌ساز ایتالیایی در 19 ژانویه سال 1920م در ایتالیا تولد یافت و پس از تحصیلات مقدماتی، به سیرک و نقاشی علاقه‌مند شد. سپس به رم رفت و به کار کشیدن کاریکاتور و نوشتن قطعات رادیویی مشغول گردید. فلینی از 1938م به عنوان فیلم‌نامه نویس مشغول به کار شد و سپس به کارگردانی پرداخت. وی پس از جنگ به عنوان دستیار کارگردان روبرتو روسلینی دیگر فیلم‌ساز نامدار سینمای ایتالیا در ساخت فیلم "رُم شهر بی‌دفاع" همکاری کرد. فلینی به عنوان کارگردانی صاحب سبک در عرصه سینما، در سال 1993م شش ماه قبل از مرگ، جایزه افتخاری اسکار را به خاطر آثار با ارزش خود در دنیای سینما دریافت نمود و سرانجام در 30 اکتبر 1993م در 73 سالگی درگذشت.

کشف اشعه ایکس توسط "ویلهلم رونتگن" دانشمند معروف آلمانی (1896م) اشعه ایکس اشعه‌ای از نوع نور ولی نامرئی با طول موج بسیار کوتاه است که در بیستم ژانویه 1896م توسط ویلهلم رونتگن، فیزیک‌دان آلمانی کشف شد و چون ماهیت آن نامعلوم بود، آن را اشعه ایکس به نام حرف X که در ریاضیات، علامت مقدار مجهول است خواندند. همچنین این اشعه را به نام کاشف آن، رونتگن نیز می‌نامند. این اشعه مانند نور معمولی، صفحه حساس عکاسی را متأثر می‌کند و همچنین گازها را تجزیه کرده، هادی و رسانای برق می‌سازد. اگرچه اشعه ایکس ممکن است به بافت‌های زنده آسیب برساند و ایجاد سوختگی‌های شدید و خطرناک کند، با این حال ارزش فوق‌العاده‌ای در معالجات رادیوتراپی، تشخیص امراض از طریق رؤیت ساده رادیوسکوپی و عکس‌برداری داخلی، رادیو گرافی، دارد. علاوه بر این، در مورد جراحی، برای تعیین محل شکستگی استخوان، پرتوهای ایکس، وسیله بسیار سودمندی است. فیزیک‌دان‌ها، پرتوهای ایکس را برای تجزیه ماهیت ساختمانی بلورها به کار می‌گیرند. همچنین از این پرتوها، در صنعت به منظور بررسی و تحقیق وضع ساختمانی قسمت‌هایی از فلز که باید زیر شرایط سختی کار کند استفاده می‌شود.

مرگ "جان راسکین" نویسنده و منتقد معروف انگلیسی (1900م) جان راسکین، فیلسوف، منتقد هنری و نویسنده مشهور انگلیسی در هشتم فوریه 1819م در خانواده‌ای ثروتمند و متدین در لندن به دنیا آمد. وی در کودکی تربیتی جدی و استوار یافت و شب و روز از مراقبت شدید پدر و مادر برخوردار بود. راسکین از کودکی با آثار کهن، مناظر طبیعی و کلیساها آشنایی یافت و با تشویق پدر، به جانب موسیقی و نقاشی و مطالعه شعر کشیده شد. وی در عین حال به سرودن شعر یا نوشتن قطعه‌های منثور ترغیب گشت و بدین ترتیب از تعلیم و تربیتی آمیخته با ادراک زیبایی بهره‌مند شد. راسکین با وجود دارا بودن تحصیلات نامنظم، مطالعات فراوانی انجام داد و با آثار نویسندگان بزرگ کشور آشنا گردید. راسکین پس از مرگ پدرش، ثروت عظیم موروثی خود را سخاوتمندانه به امور خیریه و سازمان‌های فرهنگی و موزه اختصاص داد و خود به کار نوشتن مشغول شد. راسکین در 20 سالگی اولین منظومه معروف خود را سرود که به دریافت جایزه نیز نائل آمد. وی چهار سال بعد با مطالعه در هنر و طبیعت، کتاب نقاشان جدید را نگاشت و پس از چندی، آن را در پنج جلد منتشر کرد. او در این اثر، نظر خود را درباره هنر عرضه می‌دارد و ارزش نقاشی و به طور کلی، ارزش هنر را در آن می‌داند که اندیشه‌های عالی فراوانی را به ذهن القا کند. راسکین سپس اندیشه‌های قدرت، تقلید، واقعیت و زیبایی را از هم مشخص می‌سازد، از ارتباطشان با یک‌دیگر سخن می‌گوید و هر یک از بخش‌های کتاب را به یکی از این اندیشه‌ها اختصاص می‌دهد. به عقیده راسکین، هنر از نظر شکل و قالب باید چنان باشد که قسمت‌های کوچک و بزرگ آن، یک‌دیگر را کامل کند و هماهنگی خاصی را که برای تکامل ضروری است پدید آورد. از نظر معنوی، هنر والا آن است که از طرفی به عالم بشری و از طرف دیگر به عالم الهی ارتباط یابد. از این رو، ادراک زیبایی راسکین، پیوسته با مبانی مذهبی و اخلاقی آمیخته است. با این حال این کتاب مورد حمله نقادان هنری واقع شد و نقاشان آن را به سردی پذیرفتند. راسکین در کتاب دیگرش با عنوان هفت چراغ معماری، هنر معماری را مبین عقاید مذهبی و اخلاقی و خواست‌های ملی و عادات اجتماعی یک ملت می‌داند و هفت قانونی را که هنرمند باید از آنها پیروی کند، هفت چراغ می‌نامد. راسکین پس از آن که از نویسندگی درباره هنر دست کشید، بقیه عمر را به بیان اصول عقاید خود درباره مسائل اجتماعی، تربیتی، اخلاقی و مذهبی پرداخت و اصطلاحات اساسی تعلیم و تربیت را به وسیله یک سلسله سخنرانی، نامه، مقاله و رساله عرضه کرد که در حدود سی جلد از

پنجاه جلد آثار او را در برگرفت. راسکین در کتاب تا آخرین دم، ثروت را جدا از بشر و ارزش‌های معنوی نمی‌داند. وی بر این عقیده بود که جسم بشر چون ماشین است و روح او چون موتور این ماشین که قدرت‌ش در همه موازنه‌های سیاسی و اقتصادی دخالت دارد. بنابراین از اقتصاد باید ادراکی روحی و اخلاقی داشت. ثروت واقعی نباید از حد احتیاج خود او بیشتر باشد و روزی به تملک دیگری درآید، زیرا این خود تجمل است و معادل جهل. راسکین هنر را نیز جزئی از تاریخ، فلسفه و دین می‌شمرد. دنیای مطلوب او دنیایی بود که در رابطه میان انسان‌ها با یک‌دیگر هماهنگی بیشتر وجود داشته باشد. راسکین به هر جنبشی که برای بهتر ساختن زندگی، خاصه برای بیچارگان در می‌گرفت، به چشم رغبت می‌نگریست. بسیار کسان، راسکین را نویسنده‌ای بزرگ و نثرنویسی برجسته می‌دانند هر چند عده‌ای از منتقدان به ذوق هنری او شک دارند. تمام کتاب‌های راسکین که موضوعات بسیار مختلفی را شامل می‌شوند، دارای لحن و صیغه اخلاقی هستند. جان راسکین سرانجام در بیستم ژانویه 1900م در 81 سالگی درگذشت در حالی که نفوذ فراوانی بر نویسندگان پس از خود نهاد.